

نمایند که در این دوره، آثار ادبی و فکری بسیار کم بوده است. در این دوره، آثار ادبی و فکری بسیار کم بوده است. در این دوره، آثار ادبی و فکری بسیار کم بوده است.

### دوره آگوستن و ادب قرن هیجده انگلیس\*

قرن هیجدهم و آنچه آن قرن برای تمدن و تاریخ اروپا با خود به همراه آورد امروز مورد بی‌اعتنایی و حتی تأسف بسیاری است، چه در این دوره بود که امپریالیسم غرب بمعنی اعم و اخص کلمه در آفریقا و آسیا و آمریکا توسعه یافت و ریشه گسترده بنحوی که آثار آن هم اکنون نیز به اشکال مختلف بچشم می‌خورد. قبل از آغاز قرن هیجدهم، جهان‌گشایی و لشکرکشی به سرزمینهای بیگانه در نزد کلیه ملل و طوائف و قبائل، مرسوم بود و این قبیل منازعات اغلب بصورت زورآزمایی بین دو قوم که غالباً متساوی القوا بودند انجام می‌شد و علت آن بیشتر مسائلی شخصی بود که بین رهبران دو طرف وجود داشت. تردیدی نیست که اقتصاد نقش مهمی را در بوجود آوردن این منازعات برعهده داشت ولی این نقش تقریباً همیشه بصورت مخفی در ضمیر ناخودآگاه طرفین متخاصم فعالیت می‌کرد و کمتر درگیری نظامی یا سیاسی بود که صرفاً و علناً بعلل اقتصادی بوجود آید. گذشته از این سرزمینهای مفتوح بلافاصله هم از نظر اداری و هم از نظر اقتصادی

در کشور فاتح ادغام می‌شدند و آحاد مردم آن از کلیه حقوق و مزایای ملت فاتح برخوردار می‌گشتند و بجز غارت‌هایی که لاجرم پس از غلبه صورت می‌گرفت مردم دچار خسارت و صدمه اقتصادی دیگری نمی‌شدند و برحضر محترم پوشیده نیست که این شیوه باروش استثماری تفاوت فاحش دارد.

لشکرکشیها و فعالیتهای نظامی بمنظور کسب امتیازات اقتصادی و تصرف سرزمینهای مولد ثروت چیزی بود که اروپائیان از اوائل قرن هیجدهم جداً بآن اقدام کردند. هرچند شاید از دو قرن پیش و بعد از کشف قاره آمریکا سیل ذخائر و ثروت‌های طبیعی به طرف اروپا سرازیر شده بود، ولی دادن تشکیلات اداری و بکاربردن اسلوب و طرق معین در استفاده از مستعمرات چیزی بود که از آغاز قرن هیجده معمول گردید و بیشتر به این علت بود که دامنه اطلاعات و دانش عملی در این قرن وسعت گرفت و باتوسعه فن دریانوردی قدرتهای اروپایی تحرك بیشتری یافت و شروع کرد به استفاده از آن برای دستیابی به سرزمینهای دوردست و استثمار مردم. امروزه مسلم شده است که استثمار درعین اینکه به قربانیان خود صدمه اقتصادی می‌زند صدمات اخلاقی و اجتماعی غیر قابل جبرانی نیز به ملل استثمارگر وارد می‌آورد. بسیاری از نابسامانیهای فلسفی و اخلاقی و اضطرابات و بی‌تکالیفیهای که در جامعه معاصر اروپا بچشم می‌خورد به علت عدم توازن است که پیروی از سیاست استعماری در خود آن جوامع بوجود آورده است. چون جهان‌گشایی استثماری چیزی بود که در قرن هیجده کشف یا اختراع گردید و بطور آگاهانه مورد استفاده قرار گرفت، آن دسته از مردم اروپا که متفکرند و دارای وجدان بیدارتر

و احساس تری هستند به این قرن بانوعی سرافکنندگی و شرمساری می نگرند و ترجیح می دهند که حتی پدیده های ادبی و هنری آن را نیز کمتر در مد نظر قرار دهند. این مساله در انگلستان حقیقت بیشتری پیدا می کند چه نام این کشور و سیاست استعماری از آغاز قرن هیجدهم تقریباً بایکدیگر مترادف شدند.

شاید به نظر حضار محترم مقدمه ای در باب اقتصاد و سیاست در آغاز گفتاری درباره ادب چندان مناسب نباشد ولی حقیقت این است که در این دوره پدیده های اقتصادی و مسائل اجتماعی و سیاسی چنان اهمیتی در کلیه شؤون فکری و عقلانی پیدا کرد که قسمت عمده ادبیات این دوره از چنین عواملی الهام گرفته است. طبیعی است که تداخل چنین عناصر دنیوی و مادی در امور ذهنی و روحانی بدون شك باعث نوعی ضعف و تحجر در تخیل شاعرانه می گردد. به همین علت است که بلافاصله پس از ختم این دوره، یعنی مقارن سالهای شروع انقلاب فرانسه و دوره رومانیک طرز فکر و روشهای ادبی قرن هیجدهم سخت مورد حمله و انتقاد نویسندگان و متفکرینی قرار گرفت که خود را از قیود و سنن این دوره آزاد می دیدند. به نظر آنان و همچنین به نظر بسیاری از نویسندگان و متفکران عصر حاضر، قرن هیجدهم بصورت دوره ای جلوه می کند که صفت ممیزه ادب و هنر آن يك نوع تمایل به اصول خشك و بی روح استدلال عقلی و احتراز از سرکشیهای شاعرانه و تجربه و بررسی در خلق انواع و ترکیبات جدید ادبی است. يك چنین نظری البته چندان مقرون به حقیقت نیست ولی علت بوجود آمدن آن واضح است. چه تقریباً کلیه نویسندگان و هنرمندان بزرگ این عصر توجه خود را به ادبیات دوره کلاسیک رم و یونان باستان معطوف داشتند و به بسیاری از فرمها و سبکهای ادبی و هنری آن دوره

حیات تازه بخشیده و بایک نوع وفاداری که شاید گاهی هم به افراط می‌گرایید از آن پیروی کردند به همین علت است که دوره‌ای را که از سالهای آخر قرن هفده شروع و به انقلاب فرانسه ختم شد دوره نئوکلاسیک<sup>۱</sup> نیز می‌نامند.

این گرایش به سنت لاتینی و یونانی در ادبیات انگلیسی اهمیت خاصی دارد چون در طی این دوره بود که این کشور بیش از هر عصر دیگری زمینه‌ها و منابع الهام مشترکی بادنمای ادبی اروپا که در آن زمان توسط فرانسه رهبری می‌شد پیدا کرد. البته دنیای خارج همیشه بنحوی از انحاء در این جزائر و مردم آن نفوذی داشته است ولی این تاثیر و مبادله در قرن هیجده به حد اکثر رسید در حالی که پس از این دوره مجدداً نوعی تمایز و استقلال و کناره‌جویی از اروپا و اروپائیان در روال هنری و ادبی انگلیس مشهود گردید که حتی امروز با وجود توسعه معجزه‌آسای ارتباطات وجود آن کاملاً محسوس است.

این گرایش به سنن قدیمه اروپایی شاید به این علت بود که در سالهای آخر قرن هفده از نظر سیاسی نیز نوعی نزدیکی و تفاهم بین انگلیس و اروپا بوجود آمد، بدین معنی که در سال ۱۶۶۰ چارلز دوم که پس از اعدام پدرش چارلز اول در ۱۶۴۹ و در طی حکومت کرامول<sup>۲</sup> رهبر پروتستانها و اصلاح‌طلبان مذهبی افراطی در خاک فرانسه بحال تبعید بسر می‌برد، با رای پارلمان و در میان شعف عمومی مردم که از سختگیرها و تعصبات شدید مذهبی کرامول و حکومت او در عذاب بودند به تاج و تخت انگلیس

۱- The Neo-Classical Period

۲- Oliver Cromwell (1599 - 1658)

برگشت و با رجعت وی دوره‌ای به نام «دوره بازگشت»<sup>۳</sup> در انگلیس آغاز شد که از هر جهت با عصر کرامول فرق داشت. در زمان حکومت پارلمان به رهبری کرامول کلیه امور هنری و ادبی مخصوصاً درام‌نویسی و شعر و موسیقی دچار وقفه و تعطیل شده بود که با بازگشت چارلز که سالیان دراز تحت حمایت حکومت فرانسه در قاپ پاریس و در دربار مجلل لوئی چهاردهم زیسته و سخت تحت تأثیر فرهنگی و سیاسی فرانسه قرار گرفته بود رونق بی‌سابقه‌ای یافت. این رونق در مورد تئاتر بیش از سایر شعب هنر مشهود است. بنحوی که سنت تازه‌ای در تئاتر بوجود آمد که در آن برای اولین مرتبه نویسندگان بجای خدایان و قهرمانان و شاهان توجه خود را معطوف به مردم معمولی نمود و بتدریج کم‌دی در میزان اهمیت و برجستگی جانشین تراژدی گردید. این توجه به آنچه که اصطلاحاً «مردم معمولی» گفته می‌شود بی‌سبب نبود در طی چند سال حکومت کرامول عده زیادی از اصناف و پیشه‌وران و افزارمندان در شهرهای بزرگ بخصوص در خود لندن صاحب ثروت و مقامات اجتماعی و سیاسی شده بودند. وجود یک چنین گروه بانفوذ و ثروتمندی که در عین حال خود را جزو طبقه اشراف و آریستوکراتیک نمی‌دانست ولی در بسیاری از تمایلات و سلیقه‌ها و زمینه‌های فرهنگی با آن شریک بود حکم می‌کرد که تغییراتی در روشها و سنن ادبی و هنری داده شود و توجه بیشتری به امور روزمره و مسائل اجتماعی گردد و تئاتر بهتر از هنر دیگری می‌توانست جوابگوی این احتیاج باشد. تردیدی نیست که کم‌دی دوره بازگشت در انگلستان پایه و اساس رنالیسم در اعصار بعدی می‌باشد. در این عصر نمایشنامه-

نویسائی از قبیل سر جرج اتریج، سر جان ون برا و جرج ویلیرز<sup>۴</sup> هنر کمدی- نویسی را رونق خاصی بخشیدند و باتیزبینی و نکته‌سنجی بسیاری از معایب اجتماعی را مورد بحث قرار دادند. مقارن همین ایام بود که جامعه انگلیس آگاهی تازه‌ای از وجود و اجزاء متشکله خود بدست آورد و این آگاهی به‌صورت مختلف در آثار ادبی جلوه‌گر شده است. به‌همین علت یکی از خصوصیات این عصر، همانطور که قبلاً گفته شد، درگیری عمیق نویسندگان و ادیبان با مسائل اجتماعی و سیاسی است. در این دوره نویسنده شاهد تغییرات و تحولات دامن‌داری در محیط زیست و فعالیت فکری و همچنین خوانندگان خود شد و خود را مجبور به پاسخگویی به تقاضاها و انتظارات جدیدی دید که برای برآوردن آن بتدریج فرم‌های جدیدی مانند مقاله و رمان را مورد استفاده قرار داد.

بعد از سال ۱۶۶۰ و آغاز دوره بازگشت هرچه به‌شروع قرن هیجده نزدیک‌تر می‌شویم آمیختگی و امتزاج بیشتری از مسائل سیاسی و اجتماعی در بیان ادبی مشاهده می‌گردد بعلاوه این که گرایش بجانب نمونه و مدهای کلاسیک لاتین و یونانی نیز افزونی می‌یابد تا این که با آغاز قرن هیجدهم می‌توان گفت که دوره اگوستن<sup>۵</sup> در ادب انگلیس رسماً آغاز می‌گردد در اینجا لازم است توضیح مختصری درباره عبارت «دوره اگوستن» و مفهوم آن در تاریخ ادبیات انگلیس داده شود. بطور کلی «دوره اگوستن»

۴- Sir George Etherege (1635 - 1695), Sir John Vanbrugh

(1664 - 1724), George Villiers, the Duke of Buckingham

(1592 - 1628).

به هر عصر و زمانی گفته می‌شود که ادب و هنر ملتی در سایهٔ صلاح و آزادی و رفاه اقتصادی بحمد کمال برسد. در سنت لاتین این نام به آن دوره از تاریخ رم داده شده که قیصر اکتاویوس<sup>۶</sup> بین سالهای ۴۴ تا ۱۴ قبل از میلاد مسیح بر رم حکومت کرد. در دوران فرمانروایی وی حکومت و تمدن رم که سخت دستخوش تلاطم و نابسامانی و جنگهای طولانی بود آرامش و امنیتی یافت که در سایهٔ آن اصول دموکراسی سنتی رم مجدداً پابرجا گردید و هنر و ادب لاتینی احیاء شد. در ایام حکمرانی اکتاویوس بود که نویسندگان و شعرای بزرگ و کلاسیک لاتین از قبیل هوراس، ویرجیل، اوید، تیبولوس<sup>۷</sup> و غیره بمنصبهٔ ظهور رسیدند. در فرانسه «دورهٔ اگوستین» آن عصری را می‌دانند که در طی آن راسین، کرنی، و مولیر<sup>۸</sup> بر عرصهٔ ادب و لوئی چهاردهم بر مملکت حکومت داشتند. ولی در ادب انگلیس آغاز دورهٔ اگوستین یا به عبارت دیگر عصر طلایی قدری دیرتر و هم‌زمان با شروع دوران سلطنت ملکه «آن»<sup>۹</sup> یعنی ۱۷۰۱ بود که در واقع چندان شباهتی به دورهٔ حکومت اکتاویوس در رم نداشت چون که در تمام دوران سلطنت این ملکه جنگهای معروف به مسالهٔ جانشینی سلطنت اسپانیا با شرکت انگلیس ادامه داشت که بالاخره در سال ۱۷۱۳ با معاهدهٔ صلح «اوترخت»<sup>۱۰</sup> پایان پذیرفت. واقعهٔ برجستهٔ فرمانروایی این ملکه همان

---

۶- Octavius Caesar

۷- Horace, Virgil, Ovid, Tibulus

۸- Jean Racine (1639 - 1699), Pierre Corneille (1606 - 1684),

Jean Baptiste Poquelin (1622-1673). نام مستعار Moliere

۹- Queen Ann

۱۰- The Treaty of Utrecht

انحاق دائمی اسکاتلند به انگلیس و تشکیل رسمی حکومت بریتانیای کبیر در سال ۱۷۰۷ می‌باشد. ملکه در سال ۱۷۱۴ درگذشت ولی دوره‌اگوستن در ادب انگلیس تا اواسط قرن ادامه یافت.

عنوان «دوره‌اگوستن» را در واقع خود نویسندگان این عصر برای زمان معاصر خود قائل شدند و این خود شاخص اعتماد بنفس و اطمینانی است که این نویسندگان به برتری خود نسبت به ادیبان ازمنه قبل و احتمالاً اعصار آینده داشتند. این نوع طرز فکر مسالماً تندی باعث رنجیدگی محققان و نویسندگان بعدی شده است. ولی نمی‌توان انکار کرد که از نظر فلسفی و امور عقلانی ادبیات دوره‌اگوستن و قرن هیجدهم از غنای بی‌سابقه و خاصی برخوردار بوده است. چنانکه می‌دانیم جنبش رنسانس در اروپا که از اوان قرن شانزده شروع شده بود بتدریج تا اوائل قرن هیجده به حد کمال و باروری رسید. کشفیات و اختراعات و فعالیت‌های علمی فلاسفه و دانشمندان از قبیل کوپرنیک، گالیله، کپلر، بیکن، هاروی، دکارت، نیوتون، اسپینوزا، لاک، هابز<sup>۱۲</sup> و غیره دید جهانی تازه و هیجان‌انگیزی به قرن هیجده داد. بزرگترین اثر وجودی این دانشمندان این بود که بتدریج اروپا نظر خود را از عالم ماوراءالطبیعه برگرفت و متوجه طبیعت و پدیده‌های گوناگون آن شد. در طی قرون متمادی که ایده‌تولوژی مسیحیت بر فکر اروپا تسلط داشت تنها منبع دانش کتاب مقدس و تفسیرات آن و تنها طریق شناخت الوهیت همان اعتقاد بی‌چون و چرا در وحی والهام ملکوتی بود ولی با ظهور این دانشمندان بررسی طبیعت بنحوی که از طریق حواس خمسسه به ضمیر آگاه منتقل

۱۱ - John Locke (1632 - 1704)

۱۲ - Thomas Hobbes (1588 - 1679)



می‌شود رونق گرفت. البته هیچ‌کدام از این دانشمندان منکر وجود ذات الهی بعنوان منشأ هستی نبودند چنان‌که سر توماس براون<sup>۱۳</sup> در اواسط قرن هفده به خوانندگان خود اطمینان بخشید که غور و تفحص در اسرار طبیعت خطر کفر و الحاد را در بر ندارد چون تحسین و ستایش آگاهانه تجلیات ذات الهی بسیار پسندیده‌تر از ترس و وحشت کوتاه‌بینانه از غضب خداوند و اطاعت کورکورانه است. باین ترتیب علوم نظری و تجربی بعنوان راه شناخت خدا از طریق بررسی آثار وی مورد پذیرش عموم قرار گرفت و همانطور که فرانسیس بیکن گفت: خداوند برای عیان کردن وجود خود دو راه پیش پای بشر گذاشته است. اول کتب مقدسه و دوم کتاب طبیعت. شکی نیست که پیدایش این طرز فکر باعث دگرگونی کامل در احوال و روحیه و بینش زمان گردید.

یکی دیگر از موارد ایراد به ادبیات قرن هیجده انگلیس که بیش از همه نویسندگان و منقدین دوره رومانتیک را به عیب‌جویی برانگیخت پیروی آن از اصول و قیود انعطاف‌ناپذیر استدلال عقلی است. این مسأله ایست که درک عامت آن چندین مشکل نمی‌باشد همانطور که گفته شد به علت پیدایش حس کنجکاوی برای دریافتن اسرار طبیعت و خواص اشیاء علوم تجربی رونق بسیار یافت و چون اقدام به چنین تحقیق و بررسی محتاج پیروی از روشهای معین و استدلال و منطق بود طبیعی است که نوعی وسواس و پایبندی به رعایت پاره‌ای اصول در کایه امور فکری منجمله خلق آثار ادبی نیز بوجود آمد و شاید به همین علت بود که استفاده از نوعی شعر که بی‌شبهت به بحر متقارب در عروض فارسی نمی‌باشد<sup>۱۴</sup> در این دوره شیوع

۱۳- Sir Thomas Brown (1605 - 1682)

۱۴- The Heroic Couplet

یافت بنحوی که مهمترین و برجسته‌ترین آثار شعری قرن هیجده در این بحر سروده شده است. در این نوع شعر رعایت کامل وزن و قافیه تقریباً با دقت و نظم يك وسیله مکانیکی اجتناب‌ناپذیر است که خود نمایشگر ذکر منظم و تعالیم یافته و احتمالاً تاحدی دنباله‌رو و مقلد می‌باشد.

همین توجه به اصول علمی و استدلالی لاجرم نه تنها در روال زندگی و معیارهای اخلاقی بلکه در مقیاسات سنجش هنر و ادب و موازین زیبایی-شناسی نیز اثر قابل توجهی بجای گذاشت. رویهم‌رفته با آغاز قرن هیجده موازین اخلاقی که قبلاً مبتنی بر گفتار بزرگان دین و تفاسیر آنان از متون مقدس بود بر اساس تجربیات شخصی که در نتیجه زندگی و تماس با محیط بدست می‌آید گذاشته شد و عملاً مشاهده گردید که به این ترتیب بعد قابل توجهی از اصطکاکات و منازعات در جامعه کاسته می‌گردد. به این علت در اوایل این دوره نوعی خوش‌بینی و خیرخواهی و حس معاضدت و تعاون اجتماعی در کلیه شؤون مشاهده می‌شود که نتیجه غیر قابل انکار فلسفه‌ای است که در آن عصر به نام «اخلاق طبیعی» خوانده می‌شد. تقابلی در میزان کشمکشها و مناقشات داخلی و اجتماعی به دستگاه حکومت این فرصت را داد که بیشتر به امور خارجی و بین‌المللی بپردازد. در انگلستان پس از امضاء معاهده اوترخت و به تخت نشستن جرج اول از خاندان هانور<sup>۱۵</sup> دولت در طی اقدامات وسیعی به مستعمرات و مستعمرات بریتانیا تشکیلات منظمی داد و ترتیبی اتخاذ گردید که جریان مداومی از ثروت این سرزمینها به داخله کشور سرازیر گردد. این درآمدها طبیعتاً بطور متساوی و متعادل در داخله مملکت تقسیم نمی‌شد و قسمت اعظم آن

به جیب طبقه خاصی می‌رفت که خود باعث تولید عدم موازنه و جاوگیری از رشد اجتماعی و بالاخره منتهی به اغتشاشات و نابسامانیهای دامنه‌دار اوائل قرن نوزده گردید.

تمایل و انعطاف به طرف هماهنگی و نظم یکی از مهمترین ارکان نقد ادبی این دوره است. علم جمال‌شناسی در این عصر طبیعت رام‌شده و دست‌پرورده را سرمشق خود قرار داد و از طبیعت خشن و سرکش دوری جست. نویسندگان نقد در دوره آگوستن بسیار بودند و چون امکان بحث درباره يك انسان نیست، بناچار معروفترین و گویاترین آنان یعنی ساموئل جانسون<sup>۱۶</sup> را بعنوان سخنگوی این دوره مورد مذاقه قرار می‌دهیم. وی در ۱۷۰۹ در خارج از لندن در خانواده تنگدستی بدنیا آمد ولی بشد ریچ بانشان دادن استعداد و پشتکار به مقام برجسته‌ترین نویسنده عصر خود رسید. وی کسی بود که برای نخستین بار فرهنگ زبان انگلیسی را تدوین کرد. از جمله کارهای او نگارش يك رشته بیوگرافی انتقادی از احوال و اشعار شاعران برجسته اعصار گذشته انگلیس می‌باشد. با وصف اینکه جانسون شاعر ورزیده و پرکاری بود ولی آثار نشر و بخصوص نقد ادبی او در زندگینامه‌های شعرا و مقدمه‌ای که بر مجموعه آثار شکسپیر نوشته باعث شهرت جاودان وی شده است. جانسون در کلیه آثار انتقادی خود اهمیت و برتری طبیعت کلی را بر انحرافات و خصوصیات انفرادی تأکید می‌نماید. به همین جهت «راسلاس»<sup>۱۷</sup>، رمان کوتاهی را که باعجله و برای کسب درآمد بمنظور تأمین مخارج کفن و دفن مادرش نوشت بصورت تمثیل جامعی درآورده است که در آن شخصیتها نماینده و نمایشگر ابناء

خود هستند و نه افرادی که بعلت خصوصیات فردی‌شان برگزیده شده و مورد مذاقه قرار گرفته باشند. در قسمتی از همین داستان از قول یکی از پرسناژها جانسون چنین می‌گوید: «وظیفه شاعر بررسی انواع است نه افراد و کار او توجه به خواص عمومی و نمایش آن می‌باشد. در تعریف و توصیف زیبایی لاله شاعر نباید تعداد خطوط روی گلبرگهارا بشمارد و یادربیان سرسبزی جنگل نباید به شرح سایه‌روشنهای هر رنگ بپردازد.» در جای دیگری ضمن بررسی يك دسته از شعرای قرن هفده که اغراق و در عین حال ظرافت بی‌اندازه در استعارات و تشبیهات خود بکار می‌بردند، می‌نویسد: «کار آنها همیشه تجزیه بود. هر تشبیهی را درهم می‌شکستند و به ذرات خردی بدل می‌کردند. باین روش موفقیت آنان در نشان دادن وجوه طبیعت یا مناظر زندگی به اندازه کسی بود که بخواهد درخشندگی آفتاب ظهر تابستان را با تجزیه انوار خورشید بایک منشور نشان دهد.»

این تکیه بر طبیعت کلی در آثار غالب نویسندگان دوره اگوستن، دست‌بدست‌درگیری نویسندگان با مسائل اجتماعی و سیاسی داده و باعث شد که بیشتر آثار مهم این دوره يك نوع انتقاد سازنده از اجتماع و پدیده‌های آن باشد و شاید نیز به همین علت است که یکی از مهمترین انواع فعالیت‌های ادبی این دوره طنز نویسی است. مثلاً جان درایدن<sup>۱۸</sup>، شاعر قرن هفده که درست در آستانه قرن هیجدهم به سال ۱۷۰۰ درگذشت ولی بعلت شباهت و قرابت آثارش بانوشته‌های دوره اگوستن وی را از پایه‌گذاران ادب این عصر می‌شناسند، با وجود اینکه در کلیه زمینه‌های ادبی از قبیل غزلسرایی و مقاله و نمایشنامه‌نویسی فعالیت داشت در قرن

هیچ‌کس از همه بخاطر طنزهای سیاسی و شخصی ، از جمله «مک فلکنو»<sup>۱۹</sup> و «ابسلام و آکیتوفیل»<sup>۲۰</sup> معروفیت یافت .

مشهورترین و برجسته‌ترین شاعر دوره آگوستن الکساندر پوپ<sup>۲۱</sup> می‌باشد که در سال ۱۶۸۸ در یک خانواده کاتولیک در لندن به دنیا آمد و از عنفوان شباب به سرودن شعر پرداخت و در طی مدت کوتاهی چنان مهارتی در بکار بردن بحر متقارب بدست آورد که از این فرم برای بیان هرگونه احساسی استفاده می‌کرد . وی نیز با ساختن چند قطعه طنزآمیز در ردیف معروف‌ترین و محبوب‌ترین سرایندهگان عصر خود قرار گرفت آثار طنز وی بیشتر انتقاد از بی‌مایگی و کم‌سوادی کسانی بود که به اصرار می‌خواستند خود را در صف مشاهیر و جاودانگان دنیای شعر و هنر بکنجانند و از آن جمله است «مکتوبی به آربیت نات»<sup>۲۲</sup> و «قلمرو حمقاء»<sup>۲۳</sup> طنز پوپ فقط متوجه بی‌مایگان متظاهر ادبی نبود . بعلاوه شهرت و محبوبیتی که پوپ در جامعه ادبی لندن بدست آورد ، ز علایرغم مذهبش به محافل بزرگان مملکتی و اشراف راه یافته بود و باره و رسم و رفتار آنان آشنایی داشت . در یک قطعه طولانی بنام «تجاوز به یک جعدمو»<sup>۲۴</sup> پوپ سبکسریها و زودرنجیهای خودخواهانه جوانان این طبقه را مورد سرزنش قرار

---

۱۹- Mac Flecknoe

۲۰- Absalom and Achitophel

۲۱- Alexander Pope

۲۲- An Epistle to Dr. Arbuthnot

۲۳- The Dunciad

۲۴- The Rape of the Lock

می‌دهد و با باریک‌بینی و ظرافت خاصی نشان می‌دهد که چگونه افراد این طبقه در میان حصارهای از ناز و نعمت از حقایق زندگی و واقعیت‌های آن بدور افتاده‌اند. البته کار پوپ منحصر به سرودن اشعار طنزآمیز نبود. مثل هر نویسنده دیگری از این دوره پوپ آشنایی کامل با زبان و آثار کلاسیک لاتین داشت. از شاهکارهای وی ترجمه «ایلیاد» هومر و استقرار حاتی است که از آثار هوراس و ویرجیل نموده‌است.

یکی دیگر از نویسندگان بزرگ و طنزنویسان مشهور این دوره جان اتان سوئیفت<sup>۲۵</sup> متولد به سال ۱۶۶۷ است. آثار معروف وی بیشتر به نشر نوشته شده و از آن جمله «سفرهای گالیور»<sup>۲۶</sup> می‌باشد. این اثر مورد تفاسیر و تعبیر بسیاری واقع شده‌است و شاید پرسر و صداترین نوشته این دوره باشد. «سفرهای گالیور» نماینده یک نوع تلخ‌کامی و بدبینی مفرط در وجود نویسنده می‌باشد که از این جهت شاید چندان توافقی با روحیات دوره اگوستن نداشته باشد. ولی از طرفی گزندگی این طنز و حملات آن متوجه نقائص و زشتیها و پلیدیهای اجتماع است که در وجود آنها شکی نمی‌توان داشت و از این جهت می‌توان این اثر را انعکاسی از ایده‌آلیسم این عصر و کوشش آن برای ریشه‌کن کردن معایب و حصول به‌کمال مطلوب دانست. سایر طنزهای سوئیفت از قبیل «مکاتیب دری‌پیر»، «جنگ کتب»، «داستان خمره»، «پیشنهاد متواضعانه»<sup>۲۷</sup> و دهها اثر

Jonathan Swift - ۲۵

Gulliver's Travels - ۲۶

The Drapier Letters, The Battle of the Books, A Tale of - ۲۷

A Tub, A Modest Proposal

دیگر همه در عین تلخی و گزندگی نمایشکر طبع شوخ و مزاح طلب سويفت هستند و ظرافت فکر و توانایی ذوق او را نشان می‌دهند .

از نظر کمیت نیز تولیدات ادبی قرن هیجده بی سابقه بود . بعلاوه پیدایش انقلاب صنعتی و افزایش شهرنشینان تعداد باسوادان بحد قابل توجهی بالا رفت و برای ارضاء احتیاجات آنان میزان مطبوعات و نوشته‌ها بطور تصاعدی افزونی گرفت . مثلاً رمان که خود پدیده‌ای نو بود از جمله نتایج مستقیم فعالیت نویسندگان برای جواب‌گویی به این احتیاجات بشمار می‌رود . رمان نویسی در ادب انگلیس چیزی است که از هر جهت زائیده قرن هیجده است و پیش از آن سابقه‌ای برایش نمی‌توان قائل شد . این پدیده ادبی توسط ساموئل ریچاردسون<sup>۲۸</sup> با رمان معروف «پاملا»<sup>۲۹</sup> بوجود آمد و بعداً در طی مدت کوتاهی نویسندگانی از قبیل هنری فیلدینگ، توبایس اسمالت ، لاورنس استرن<sup>۳۰</sup> و غیره آنرا بسرحد کمال رساندند . سایر فعالیت‌های ادبی در این عصر که افزونی بسیار یافت نوشتن بیوگرافی ، سفرنامه ، مقالات ادبی ، مکاتبات و مناظرات و اخوانیات در بین شعرا و نویسندگان بود و از میان مقاله‌نویسان معروف این عصر گذشته از ساموئل جانسون و دانیل دوفو<sup>۳۱</sup> باید از سرریچارد استیل و جوزف ادیسون<sup>۳۲</sup> نام برد . استیل کار ادبی خود را بانوشتن درام شروع کرد ولی

---

۲۸ - Samuel Richardson

۲۹ - Pamela

۳۰ - Henry Fielding, Tobias Smollett, Laurence Sterne

۳۱ - Daniel Defoe

۳۲ - Sir Richard Steele (1672 - 1729), Joseph Addison

(1672 - 1719) .

بعداً با همکاری ادیسون هفته‌نامه‌های «تتایر» و «اسپک‌تی‌تر»<sup>۳۳</sup> را منتشر کرد که این دو بک‌م‌ک هم در آن به نوشتن نوع جدیدی مقاله که بعداً به نام «مقالات خودمانی» معروف گردید پرداختند. در این مقالات نه تنها موضوعات ادبی، بلکه مسائل سیاسی، آداب معاشرت، نقاشیها و نمایشهای تازه مورد بحث قرار می‌گرفت و آنچه که امروز از مجموعه مقالات این دو باقی مانده نمونه ممتازی از نثر زیبا و دلپذیر دوره اگوستن آمیخته با فکر روشن و خالی از تعصب این دو مرد می‌باشد.

با فرارسیدن سال ۱۷۵۰ بجز ساموئل جانسون (که تا سال ۱۷۸۴ زیست) کلیه بزرگان و معاریفی که پایه‌گذار عصر اگوستن بودند و به اختصار ذکری از آنان رفت، در گذشته بودند. با غیبت آنان از عرصه فعالیت‌های ادبی می‌توان گفت که دوران رونق و جلای این عصر نیز به پایان رسیده چه بتدریج مفروضات و اصولی که بادقت و یکنواختی خاصی در طی این نیم قرن توسط کلیه نویسندگان رعایت شده بود مورد استیضاح قرار گرفت. پیش از هر چیز عده‌ای از شعرا روی از بحر متقارب گردانیدند و اوزان و عروض ساده‌تر و قابل انعطاف‌تری را برای بیان مکنونات قلبی خود انتخاب کردند. البته وزن دیگری از شعر انگلیسی یعنی شعر آزاد برای مضامین فلسفی و مذهبی از اوان سده هیجدهم بکار می‌رفت ولی عدمیت چندانی نداشت. مهمترین اثری که در این وزن سروده شد قطعه معروفی است به نام «فصول» اثر جیمز تامسون که بسال ۱۷۲۷ منتشر شد.



از طرف دیگر آنچه که ساموئل جانسون «پیروی از طبیعت کلی» نامیده بود مورد شك و اعتراض قرار گرفت و کم کم توجه نویسندگان به فرد و اجزاء متشکله کایات معطوف گردید شعرائی از قبیل توماس گری با وجود این که جنبه‌های ظاهری شعر اگوستن را رعایت می‌کردند ولی بتدریج تفسیراتی در موضوعات مورد بحث خود دادند. طنز و طنزنویسی اهمیت خود را تا سال ۱۷۵۰ بکلی از دست داد و بجای آن یک نوع خستگی و دل‌زدگی و آنچه که می‌توان بآن نام «نازک‌دلی»<sup>۳۴</sup> داد در بیشتر آثار هویدا گردید.

در اینجا باید متذکر شد که ادبیات دوره اگوستن ادبیات شهر و شهرنشینی است در مطالعه آثار این دوره خواننده متوجه و فور تشبیهات و استعاراتی می‌شود که از حرفه معماری و صنایع وابسته بآن گرفته شده است. رام کردن طبیعت و سازندگی به اشکال مختلف مورد تحسین و ستایش است در عین این که بسیاری از ادیبان این دوره از مشکلات و مسائلی که در اثر تراکم جمعیت بوجود می‌آید اظهار دلتنگی و وحشت می‌نمایند. پاره‌ای از آنان از قبیل سوئیفت در کتاب «مسافرت‌های گالیور» تقصیر این معایب را به گردن طبیعت بشر می‌گذارد و لزوم کنترل شدید و لاینقطع را تأکید می‌کند در حالی که گروهی دیگر مثل هنری فیلدینگ و دانیل دوفو عیب را در بنای جامعه و نوع تشکیلات آن می‌دانند که باعث خفقان و انحراف طبیعت بشر می‌گردد و هر کدام به سهم خود راههایی برای اصلاح آن عرضه می‌کنند. چیزی که مسلم است این است که هیچ کدام

از آنان بازگشت به طبیعت و ترك شهر و شهرنشینی را علاج درد نمی دانند و نجات نهایی بشر را در تجمع و معاضدت و هم زیستی می بینند . این طرز فکر بتدریج دستخوش تغییر گردید و بزودی دید شاعر از شهر و مسائل مربوط به شهرنشینی گرفته شد و به افقهای دور و صحرا و کوه و دشت متوجه گردید . یکی از جالبترین مباحث تاریخ ادبی انگلیس بررسی در چگونگی و علل این تغییرات است . که خارج از حیطه این گفتار است و باید بطور جداگانه و تحت عنوان پیدایش دوره رمانتیک مورد بحث قرار گیرد .

خاتمه باید به عرض برساند که اگرچه دوره اگوستن با فرارسیدن نیمه قرن هیجده به پایان رسید ، ولی بسیار از اصولی که در این دوره وضع گردید و در خلق آثار ادبی بکار رفت در زمره ارکان سنت ادبی انگلیس قرار گرفت و بجرات می توان گفت که هیچ دوره ای در تاریخ ادبیات این ملت نیست که با وجود کوتاهی مدت چنین اثر عمیقی در شکل بخشیدن به ذوق و سلیقه و تثبیت اصول انتقادی و جمال شناسی آن از خود باقی گذاشته باشد .